

متن پرسش

با سلام خدمت اسناد عزیز: راستش استاد تقریباً یک سالی هست که اراده ام ضعیف شده، از اول با اراده محکم درس خوندم و پی استعدادی تو ریاضی بودم ولی نه ادامه تحصیل دیگه کار آسونیه نه دیگه قدرت و و اراده ی جنگیدن دارم این همه تلاش هم فایده ای نداشته یعنی منو راضی نمیکنه. هرچه هم سعی کردم و منتظر موندم که یک شریک زندگی بیاید خواستگاری که آیندمون را با هم بسازیم خدا برام نخواست، با دعا و نذر هم نشد! الان منم و سن ۳۱ سال و تدریس فقط یک روزه تو دانشگاه و ترس از فقری که شاید باید خودم با کار مانعش بشم! (البته ترس از فقر بخاطر اینکه که پدرم از اول درست تامین مون نکرده و طعمش رو چشیدیم الان هم با وجود اینکه کشاورزی می کنند نمی توانند نیازهای اولیه ما رو تامین کنند) استاد ببینید حتی جملاتم نشون میده چقدر مشوش و سردرگمم، پدرانه برام حرف بزنید و آرامم کنید و راهنماییم کنید. و دعا.....

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به طور جدی مطمئن باشید خدای شما، شما را فراموش نکرده، با تواضع تمام کاری که در پیش روی شما قرار گرفته است را ادامه دهید و حال که شرایط سلوک خاص برایتان فراهم شده با تعادل کامل و با مقدمات لازم از آن غافل نباشید. مقالات آیت الله شجاعی را همراه با شرح بنده توصیه می‌کنم. موفق باشید